

بررسی انواع پوشش سر مردان و زنان در دوره صفوی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۰

کد مقاله: ۴۴۳۴۰

ملیحه تقوی باغان^۱

چکیده

در دوره‌های تاریخی ایران، پوشش سر نشانگر موقعیت افراد در جامعه، حفاظت از سرما، حیا و عفت برای زنان بوده و عوامل فرهنگی و اجتماعی در ایجاد طرح‌های گوناگون برای پوشاک سر، نقش مهمی داشته است. از این رو بررسی و تبیین انواع پوشش سر در مردان و زنان عهد صفوی به صورت جداگانه هدف این تحقیق، می‌باشد. اوج پیشرفت صنعت نساجی، در دوره صفوی و در زمان شاه‌عباس شکل گرفت. نگرش سیاسی وی به ایجاد روابط تجاری با کشورهای همسایه و بخصوص اروپاییان، سبب شد تا ادیان مختلف با فرهنگ و رسومات خود در ایران ساکن شوند که باعث به وجود آمدن تنوع در پوشاک و حتی پوشش سر شده بود. برای بررسی این موضوع از مدارک باقیمانده آن دوران مانند نگاره‌ها و گزارش‌های سیاحان اروپایی استفاده شده است. این پژوهش به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و توصیفی (تحلیلی) انجام شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: پوشش سر، پوشاک صفویان، تاریخ پوشاک

دوره صفوی بعد از ورود اسلام به ایران توسط شاه اسماعیل صفوی تأسیس گردید او دین رسمی را شیعه قرار داد. در آن زمان فرهنگ صفویان آمیخته از فرهنگ ایرانی-ترکی میانه و فتودالی بود. درحالی که ابتدا آن‌ها از نوع پوشش تیموریان پیروی می‌کردند، ولی در این دوره تحولاتی در نوع پوشش ایرانیان به وجود آمد. پارچه‌ها در رنگ و بافت متنوع شده بود و ایده‌ها و طرح‌های جدیدی برای تولید پوشاک مورد توجه قرار گرفته بود. به کارگیری منسوجات مرغوب مانند ابریشم، مخمل، حریر، پوست و پارچه‌های گلابتون دوزی گردید و باعث تولید پارچه‌ها و پوشاک گران‌بها و نفیس گردید. مردم در شرایط اقتصادی و فرهنگی مناسبی قرار داشتند همین موضوع باعث خلق اجزای گوناگونی مانند سرپند و روبنده شد. در اصفهان ادیان و اقوام مختلفی به‌طور مسالمت‌آمیزی در کنار هم زندگی می‌کردند که در حقیقت پایتخت صفویان را در زمان شاه‌عباس به نصف جهان تبدیل کرده بود. در زمان شاه‌عباس تجارت پارچه از اهمیت بالایی برخوردار بود و خزانه سلطنتی از صادرات منسوجات تأمین می‌شد. در زمان شاه سلیمان استفاده از زینت‌آلات و تجملات شدت یافت. پوشش سر این دوران مزین به پارچه‌ها و جواهرات گشته بود و چهره مردان و زنان دوران صفوی را متفاوت ساخته بود.

اکثر پارچه‌های دوره صفوی که از الیاف طبیعی ساخته می‌شدند از بین رفته است. اسنادی که موجود است شامل نگاره‌های معتبر و نوشته‌های سیاحانی چون دلواله، تاورنیه، جملی کاری، شاردن، سانسون و فیگوئرا و کاتف می‌باشد که به دلیل رونق اقتصادی این دوره به ایران سفر کرده بودند. از کتاب‌هایی که در مورد تاریخ پوشاک ایرانیان و کتاب پوشش سر نوشته سهیلا شهشهانی به‌صورت اختصاصی به تفسیر این موضوع پرداخته شده است و کتب تاریخی و مقالات، استفاده گردید. امید است که این تحقیق نگاهی دقیق‌تری به نوع پوشش سر مردان و بانوان در تاریخ متمدن و با فرهنگ ایران داشته باشد.

۲- پیشانی بند (تیار)

سر بانوان، به وسیله کلاه یا حجابی مستور است و نواری قلاب دوزی شده (وگاه مزین به جواهر) بر بالای پیشانی می‌بندند. این نوار (تیار) که علامت اغلب از پارچه‌های نازک رنگارنگ فراهم می‌شود، به اندازه یک شصت پهنا دارد و گاه جقه ای در وسط و بالای آن نصب می‌کنند. (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۶) (شکل ۱) سانسون در مورد پیشانی بند بانوان می‌گوید: «زنان پیشانی خود را با پیشانی بندی به پهنای سه انگشت که با طلا، میناکاری شده و با یاقوت و الماس و مروارید، مرصع است می‌پوشاند، حاشیه میلیه دوزی دور آن را که بر روی پیشانی آویزان است، با سکه های طلای و نیز زینت می‌دهند؛ و به این نحو جلوه ای بسیار دل انگیز به آن می‌بخشند.» همچنین زنان روستایی نواری روی مقنعه و چادر از روی پیشانی می‌بستند. (ولی قوجق و مهر پویا، ۱۳۹۶)



شکل ۱- پیشانی بند دوره شاه‌عباس ۱۵۸۵-۱۶۲۷
<https://i.pinimg.com/>

فیگوئرا می‌نویسد: «زنان جوان ارمنی نواری تنگ و فشرده از تافته های رنگارنگ بر پیشانی می‌بندند و آن‌ها که اجتماعی ترند روی این نوار توری از طلا یا از پارچه خود نواری اندازند که همچون گوش بند کلاهخود پیاده نظام‌ها، گونه‌ها را تا گلو می‌پوشاند. این تور را چنان می‌بندند که موها و همه اطراف صورت به راحتی در آن جای می‌گیرد و چهره شان کاملاً گرد و پف کرده به نظر می‌آید.» (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۸۴)

۳- تاج و دستار

۱-۳- تاج مردان

به شیوه اولیه اسلامی، دولت صفوی نیز «رنگی دودمانی» برگزید که به شکل سرپوشی مشخص که توسط رهبر شیعه صفویان «حیدر»، قبل از وفاتش در سال ۱۴۸۸ م. معرفی کرد، استفاده می‌شد. «تاج حیدری» به گونه ای که شاه اسماعیل معرفی کرد: «... ساخته شده با دوازده ترک بدنه هموار و بزرگ لبه باریک و بلند» به سرعت حامیان صفویان را به نام قزلباش (سرخ کلاه) مشهور کرد. دوازده ترک یا بخش لفاف شده که سریعاً در عرض از لبه دیواره تا انتهای یک گلدسته ته بلند کاهش پهنا یافت، نماد وفاداری مصرف کننده آن به تعلیم دوازده امام شیعه بود؛ درحالی که شکل عصادار گلدسته آن، احتمالاً بیانگر «قطب» این جهانی، رهبر معنوی امامت بوده است. مواد به کار رفته در ساختار این سرپوش به گونه های مختلفی توصیف شده است (فروزان تبار، ۱۳۸۴) ساختار جامعه صفوی هرمی بود که در راس آن پادشاه جای داشت و سایر مراتب در ذیل و هریک متناسب با شأن و شغل خود کلاهی ویژه داشتند. تاج حیدری معروفترین کلاه عصر صفوی، سقرالات سرخ با دوازده ترک، نشان ویژه قورچی‌هاو قوللر در جنگ بود. این تاج پس از شاه اسماعیل و شاه طهماسب جنبه تشریفاتی یافت؛ شاه و درباریان دور آن دستاری سپید رنگ

می پیچیدند، آن را به انواع جواهرات می آراستند و به صورت «تاج طومار» بر سر می گذاشتند. (نقوی و مراثی، ۱۳۹۱) یک نمونه آسب دیده، مکشوف از حفاریات باستان شناسی رباط شریف در سال ۱۹۷۰ م؛ که اشتبهاً به عنوان یک کیف پول شناخته شده است، ثابت می کند که «تاجهای» اوایل قرن شانزدهم م. از پنبه لفاف شده با روکش ابریشم رنگ شده، احتمالاً با روناس که به صورتی وسیع در منطقه اردبیل می روید، بوده که اطرافش عمامه ای سپید با رنگی پیچیده می شده است. (فروزان تبار، ۱۳۸۴) به مرور زمان تغییراتی در ساختار تاج ایجاد و برتریینات آن افزوده شد. پادشاهان صفوی تاج را با جقه بر سر می گذاشتند. قزلباش ها سعی می کردند استفاده از تاج را انحصاری کنند اما به تدریج، گروه ها و اشخاص دیگر هم اجازه یافتند تاج بر سر بگذارند. کسانی که مطیع دولت صفوی می شدند تاج را به نشانه اطاعت و وفاداری بر سر می گذاشتند. این روند تا پایان دوره صفوی ادامه داشت و حتی پس از سقوط آن دولت، مدعیان جانشینی صفوی از تاج قزلباش استفاده می کردند. (سید بنکدار، ۱۳۹۵) هنگام حرکت بانوان حرم، دسته ای از خواجگان شاه یک فرسنگ جلوتر می رفتند تا مردان را از اطراف راه قافله دور کنند؛ زیرا فرمان شاه این بود که چشم نامحرم نبایستی به روی زنان حرم افتد و اگر مردی بر سر راه ایشان دیده شود، باید او را بیدرنگ بکشند. افراد این دسته همگی تاج مخصوص قزلباش بر سر داشتند و علامت مخصوص ایشان تیری بود که بر عمامه خود فرو می بردند به طوری که سر آن در عمامه و دم اش به سوی بالا قرار داشت. یسقیان از سایر افراد سپاه مقتدرتر و با نفوذ تر بودند. رئیس آنان که به «یسقی باشی» معروف بود، از میان سرداران بزرگ ایران انتخاب می شد و بر عمامه خود تیری زرین فرو می برد. (فلسفی، ۱۳۹۱: ۳۴۱) دلواله می گوید کلاه قرمزی را که به آن تاج می گویند و علامت مناصب نظامی است باید مستثنی کرد منتهی همانطور که قبلاً نیز گفته ام این تاج را بسیار نادر و در مراسم و تشریفات خاصی به سر می گذارند. (دلواله، ۱۳۴۸: ۱۴۶) شاه عباس برخلاف پادشاهان دیگر، میان سرداران و درباریان به سادگی و پیراستگی شناخته می شد. اگر گاه لباس ابریشمین بر تن می کرد، یا جیقه بر تاج قزلباش یا کلاه مخصوص خود می زد بر خلاف عادات بود. (فلسفی ۱۳۹۲: ۱۶۲)

جدول شماره ۱- تصاویری از عمامه ها در دوره صفوی

تصاویر عمامه برگرفته از نقاشی ها و یا نقوش منسوجات در دوره صفوی				اشخاص
 <p>شاه عباس صفوی تاج با جیغه کار روی قالیچه موزه مترو پولیتن (قدیانی، ۱۳۸۹: ۵۱۳)</p>				شاهان
 <p>دستار و عمامه عصا دار مردان صفوی قرن ۱۶ (https://i.pinimg.com)</p>		 <p>موزه انگلیس (https://i.pinimg.com)</p>		مردان
۴- قورچی	۳- قزلباش	۲- غلامان شاه	۱- تفنگچی	قشون ارتش در دوره شاه عباس
 <p>اثر عیسی خان (https://i.pinimg.com)</p>	 <p>قرن ۱۷ (https://wikimedia.org)</p>	 <p>مسیحی-چرکسی https://static4.donya-e- eqtesad.com/</p>	 <p>قرن ۱۷ (https://i.pinimg.com)</p>	

تصاویر عمامه برگرفته از نقاشی‌ها و یا نقوش منسوجات در دوره صفوی			اشخاص
			زنان
اواخر قرن ۱۷ اوایل قرن ۱۹ اصفهان (https://i.pinimg.com)	عمامه نیمه قرن ۱۷ با تزیینات نقش روی پارچه ابریشم (شکیبا، ۱۳۸۱)	دستار در زمان شاه‌عباس (ولی قوجق و مهر پویا، ۱۳۹۶)	

۳-۲- دستار یا عمامه مردان

غازان^۱، هنگام جلوس بر مسند ایلخانی، خودش را مسلمان اعلام کرد. امر داد کلمه شهادت را بجای نام القاب خاقان، روی سکه‌ها نقش کنند و نیز خود و افسران عمامه را به جای کلاه اختیار نمودند. (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۱) تاورنیه درباره دستار بزرگان کشور می‌نویسد: که از نوعی پارچه ابریشمی ظریف با مللیله دوزی درست می‌شود. در دستارها عموماً کمتر ابریشم به کار می‌رود و به جای آن از طلا و نقره استفاده می‌شود. در این صورت وزن آن‌ها سنگین و بهای آن‌ها نیز گزاف است. بندرت یکی از بزرگان دیده می‌شود که بر دستار خود «جواهراتی» نصب نکرده باشد. (پارسادوست، ۱۳۸۸: ۷۶۹) پوشش سر آن‌ها دستاری از ابریشم زربفت است که مانند کدوی مدور پیچیده شده و بالایش قدری مسطح است و یک سر پارچه از آن بیرون آمده بیک دسته منگوله و ریشه منتهی می‌شود. پست‌ترین این شال‌های ابریشمی که به عنوان دستار می‌پیچند اقلماً دویست اکو قیمت دارد، اما شال دستار شاه و بزرگان دربار تا چهار صد پانصد اکو هم می‌رسد، چون این شالها خیلی سنگین می‌شوند، خاصه آنهایی که زرشان بیشتر و ابریشمشان کمتر است. کم اتفاق می‌افتد که یکی از رجال محترم جواهراتی زینت دستار خود نسازند. (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۶۲۳) «منذیل» کلاهی بود که قوالان و ساقی‌ها به‌صورت آزاد از پارچه‌های راه‌راه یا زربفت دور سر می‌پیچیدند. روحانیان و حافظان قرآن مندیلهایی ساده از جنس آق بانو داشتند. (نقوی و مراشی، ۱۳۹۱) از پوشش‌های الزامی عبارت است از عمامه ای راه‌راه که به ظرافت پیچیده شده است (کنبی، ۱۳۸۵: ۱۳۶). عمامه رنگی است و غالباً در بافت آن تارهای ابریشم طبیعی به‌طور راه‌راه در زمینه پارچه پنبه‌ای به کار رفته است و رنگ سفید به‌طور نادر مورد استفاده قرار می‌گیرد. ثروتمندان عمامه‌های گرانبهایی که تار و پود آن از طلا و نقره است بر سر می‌گذارند، ولی در عین حال همه سعی می‌کنند سادگی عمامه حفظ شود. بزرگی عمامه و طرز قرار دادش به نظر غیر عادی و نامأنوس می‌آید مضافاً به اینکه وسط آن نیز فینه یا عرق چینی قرار ندارند. برسر گذاشتن عمامه برای همه مسیحیان جایز است و رنگ سبز که اینهمه در ترکیه نسبت به آن سخت‌گیر هستند نه تنها برای عمامه، بلکه برای لباس و کفش هم استعمال می‌شود. (دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۴۶ و ۱۴۵) بانیان^۲ در موقع جشن و سرور از سر تا پا به رنگ سفید ملبس هستند منتهی لباس آنان در روی سینه با ماده زعفران به رنگ زرد تیره در آمده و دستار آن‌ها نیز با همین ماده رنگ شده است. در داخل رنگ زرد با صندل نقطه‌هایی قرمز گذاشته‌اند و این دو رنگ به اندازه‌ای در نزد هندی‌ها متداول و مورد علاقه آنان است حتی در پیشانی خود نیز خالهایی با همان شیوه می‌گذارند. (دلاواله، ۱۳۴۸: ۷۲) شاردن که دوبار (۱۶۶۶ تا ۱۶۶۹ و ۱۶۷۲ تا ۱۶۷۷ م) به اصفهان رفت، می‌نویسد: «می‌توان به راحتی از سبک ایرانی تبعیت کرد، چه مرد باشی و چه زن، اما کشوری مانند ایران وجود ندارد که تحمل و زرق و برق نزد مردان آن همانند زنان باشد. در مورد باید گفت که عمامه مناسب را نمی‌توان کمتر از پنجاه کراون خرید. افسری که حقوقش بیش از ۱۲۰۰ یا ۱۵۰۰ لیور نیست، لباس نویی میبوشد که بیشتر قیمت دارد این تحمل ایرانیان یکی از مشکلات آنهاست چون با این که لباسها دوام زیادی دارند، مبلغ زیادی برای خریدشان لازم است.» (کنبی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

۳-۳- ارتش صفوی

قشون ایران مرکب از چهار دسته است که به ترتیب اهمیت از پایین‌ترین آن‌ها یعنی تفنگچیان که شاه چندی پیش به توصیه «آنتونی شرلی» انگلیسی به تشکیل آنان همت گماشت:

- ۱- تفنگ چیان: از نژاد اصیل ایرانی هستند که مسکن و مأوای آن‌ها در شهرها یا دهات است.
- ۲- غلامان شاه: نژاد‌های مسیحی از قبیل چرکس، گرجی، ارمنی و غیره هستند و همه مسلمان شده‌اند.
- ۳- قزلباش‌ها: از لحاظ مقام و اصالت بالاتر از غلامان هستند. قزلباش‌ها روی هم رفته متعلق به سی و دو طایفه مختلفند. شانزده طایفه اول در جنگ‌ها و سفرها و در دیوان‌خانه‌های و مجالس مشورت در جانب راست و شانزده طایفه دیگر در سمت

۱- سر پرسی سایکس به نقل از هیتون پادشاه ارمنستان درباره غازان خان (ایلخان بزرگ قرن هفتم هجری که عمامه را به جای کلاه برگزید.
۲- هندی‌های بت پرست که در اصفهان زیاد هستند. آنان از وطن خود به این شهر مهاجرت می‌کنند و در اینجا متوطن می‌شوند؛ و به شغل تجارت می‌پردازند. این هندی‌ها را ما طبق اصطلاح خودمان «بانیان» می‌نامیم (سفرنامه دلاواله).

چپ شاه جای دارند. قزلباش ها در سراسر کشور پراکنده هستند و اراضی و املاک پهناور دارند و خود را از دیگران اصیل تر می‌شمارند، در صورتی که اصل و نسب ایشان به ترکها می‌رسد. از دوره شاه اسماعیل بود که تاج قزلباش را به آنان اعطا کرد تا به عنوان نجابت و اصالت نسب به عمامه خود بزنند (دلواله، ۱۳۴۸: ۳۴۴ و ۳۴۶).

۴- قورچی‌ها: نگهبانان مخصوص قصر شاهی و چادرهای خاص سلطنتی از میان آنان انتخاب می‌شوند قورچی ها قزلباش هایی هستند که در اختیار هیچ یک از خان‌ها یا سلطان یا کسان دیگر نیستند و خدمات خود را منحصرأ در اختیار شاه قرار داده اند (همان، ۱۳۴۸: ۳۵۱).

۳-۴- تاج زنان

تاج و کلاه شاهزاده خانم درباری در قرن دهم دیده می‌شود، مرکز این تاج، کلاه مزین به گل و لبه آن به سبک تاجهای سلجوقی و مانند برگ است و در پشت آن بته جقه منتهی می‌شود و با فلز و جواهر زینت داده شده است تا حدودی پارچه نازک پشت سر به تاجهای ساسانی مشابهت دارد. (قاسمی، ۱۳۸۴) (شکل ۲)

۳-۵- عمامه یا دستار زنان



شکل ۲- تاج و کلاه (قاسمی، ۱۳۸۴)

دلواله می‌نویسد: زنان دربار گاهی اوقات از دستار نیز برای پوشش سر استفاده می‌کردند و به شکل زیبایی آن را به دور سر می‌بستند و لابه لای آن را به صورت تاج در می‌آوردند استفاده از این دستار در میان زنان و مردان رایج بوده است. (قاسمی، ۱۳۸۴) وضع لباس، در زمان شاه‌عباس تغییر می‌کند و عمامه بزرگتر می‌شود و به جای منظم و مرتب بسته شدن، رها تر به دور سر پیچیده می‌شوند. (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۰) زنهای گبر این دستار را مانند عربها کلدانیها دور صورت خود می‌بندند، درحالی که یک سر آن از جلو تا کمر و انتهای دیگر آن از عقب به طرف زمین آویزان است و مجموعاً نمای خوشی دارد. زنان مزبور برعکس زنان مسلمان با سر و روی باز به کوچه و خیابان می‌روند. (دلواله، ۱۳۴۸: ۷۸) (جدول شماره ۱)

۴- چادر



شکل ۴- سفرنامه گاسپار دوویل



شکل ۳- چادر سفرنامه تاورنیه

اولتاریوس می‌نویسد (در زمان شاه صفی): زنان موقعی که از خانه خارج می‌شوند، چهره خود را نشان مردان نمی‌دهند. بلکه چادر سفید روی سر می‌اندازند که تمام بدن آن‌ها را تا مچ پا می‌پوشاند (آقا شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۹۷) کاتف می‌نویسد: زنان در بیرون از خانه خود را به متقال نازکی می‌پوشانند که چشم و صورت آن‌ها پیدا نیست. زنان موقعی که بیرون می‌روند تمام چهره خود را به نحوی که در سوریه مرسوم است با پارچه سفید می‌پوشانند. (ولی قوجق و مهرپویا، ۱۳۹۶) حجاب و پوشش در دوره صفویه امری قابل تأمل بوده است و بزرگترین توهین برای مرد ایرانی آن بود که کسی روی زن او را ببیند. با تمام این کوشش‌ها، زنان حرمسرا از موقعیت خاصی بر خوردار بودند طوری که به «دولت سایه» معروف شدند و در سیاست و مملکت داری دخالت نمودند. از عصر شاه‌عباس به بعد آنان قطب مهم سیاسی شده و در تعیین جانشین شاه اراده مستقیم داشتند (جعفر پور و نوری، ۱۳۸۵)

در سفرنامه برادران شرلی در این باره آمده: زن‌ها در مجموع زیبا هستند؛ چادر و روبند بر سر دارند. به طوری که آفتاب، هیچ وقت بر صورت آن‌ها نمی‌تابد (شکل ۳) (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۸۲) زنان خود را در ایران باحدی غیر شوهر خود نشان نمی‌دهند. وقتی به حمام عمومی می‌روند، در چادری سر تا پای خود را مستور می‌نمایند (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۶۲۸). تا پایان دوره صفویه در ایران زنان همچنان از چادرهایی به رنگ سفید به همراه روبند به عنوان حجاب در خارج از خانه استفاده می‌کردند (شکل ۴) و تنها ویژگی طبقاتی زنان در این دوره از روی جنس پارچه‌های مورد استفاده در تهیه چادرهایشان قابل تشخیص بود. (فضل و زبیری، ۱۳۹۲)



شکل ۵- کنیز سیاه از کتاب سفرنامه
سانسون

(آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۹۰)

لباس عروس به قدری پوشیده بوده است که جهانگردان نیز توصیفی از آن ندارند و فقط در مورد چگونگی چادر آنان گفته شده است که عروس اقلیت های مذهبی نیز چادر داشته اند. شاردن در مورد رفتن عروس به خانه داماد چنین می نویسد: «عروس مطلقاً در حجاب است مضافاً بر اینکه یک چادر پلیسه یا چین مانندی از زربفت یا تافته زرین یا منسوج ابریشمی بر سر دارد که تا کمر پایین آمده است و طوری مشار البها را مستور ساخته که از دید تیزبین ترین چشمان مستور می‌باشد و هیچکس به هیچ وجه نمی تواند شکل و شمایل و قد و قامت وی را تشخیص بدهد مردم می گویند که این احتیاط در استتار برای آن است که نو عروس از سحر و جادوی چشم بد حسودان و رقیبان در امان باشد.» (قاسمی، ۱۳۸۴)

۵- چارقد

شاردن می گوید: زنان سر خویش را کاملاً می پوشاند و روی آن چارقدی دارند به شانه شان می رسد (گلو و سینه شان را در جلو می پوشانند) (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۵) شاردن در مورد پوشش سر زنان در سفر نامه اش آورده است که: پوشش زنان چارقد سفیدی است که تا سرشانه می رسد در منزل سر خود را می پوشانند و تا روی سینه آن‌ها پوشیده است (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۱۳۷) تاورنیه می گوید: سرشان در یک پارچه نازک پیچیده که دو سر آن را زنخدان گره می کنند. (شکل ۵) گیسو را بافته که کیسه ای از مخمل یا اطلس با قلابدوزی کرده به پشت سر می آویزند. (مانند زنان هرمز) که تازیر کمر می رسد. (تاورنیه ۱۳۶۹، ۶۲۷) کاری می نویسد: «زنان ارمنی غالباً زیبا و ملیح اند و در پی زیبایی تصنعی نیستند. سرخود را با چارقد کتانی سفید می پوشانند و گوشه های آنرا زیر چانه خود محکم می کنند. اغلب یک رشته گیس دارند که توی کیسه کوچکی از مخمل سیاه روی شانه خود می اندازند. زندهای بسیار متمول، زینت آلات زرین و مرصع نیز به کار می برند. (جعفرپور و نوری، ۱۳۸۵)

۶- روبند

می توان گفت از جمله نوآوری هایی که در دوره صفویه در نوع پوشش زنان به وجود آمد حجابی چهارگوش و سفید به نام «روبنده» بود که به بالای چادر متصل می شد و روی صورت می افتاد. روبند شکافی کوچک و توری شکل داشت که امکان دیدن را فراهم می ساخت. (ولیعوجق و مهرپویا، ۱۳۹۶) روبنده سفید نقابی سیاه بافته شده از موی اسب هم بر روی چادر بر سر نهاده می شد. از این چادر فقط یک شکاف کوچک در محل چشم ها باز است که می توانند راه خود را ببینند. (فضل وزیری، ۱۳۹۲) روبنده، دستمالی است که بر روی صورت می نهند و مخصوص مساجد است و شبکه ای در مقابل چشمان دارند (که برای دیدن از ورای آن تعبیه شده است). (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۵) از سفرنامه الثاریوس است که نقل می شود: زنان چند بند مروارید بر سر دارند و هنگامی که از خانه خارج می شوند صورت خود را با تور سفید می پوشانند و فقط محل چشمان آن‌ها باز است. (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۱۳۷) چادر در جلوی صورت، شکاف کوچکی دارد که از آن شکاف به زحمت جلوی خود را می توانند ببینند؛ و چه بسا چهره های زیبایی که با لباس های محقرانه و چهره های زشتی که با لباس مجلل و فریبنده، زیر این چادرها مخفی هستند و انسان نمی تواند بفهمد در پس چادر چه قیافه هایی نهفته است.» (آقا شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۹۷)

۷- روسری

روسری زن ها شبیه پارچه ای است که زنان بغداد هم به کار می برند رنگ روسری ها مختلف است و دنباله آن از عقب تا روی زمین ادامه پیدا می کند. (جعفر پور و نوری، ۱۳۸۵) چیزی که به لباس زنهای گیر لطف و ملاحظت خاصی می بخشد روسری آنان است که رنگی بین سبز و زرد دارد، ولی بیشتر مایل به زرد است. زنهای گیر این دستار را مانند عریبه و کلدانی ها دور صورت خود می بندند. در حالیکه یک سر آن از جلو تا کمر و انتهای دیگر آن از عقب به طرف زمین آویزان است و مجموعاً نمای خوشی دارد زنان مزبور بر عکس زنهای مسلمان با سر و روی باز به کوچه و خیابان می روند. (دلاواله، ۱۳۴۸: ۷۸) فیکوئرا آورده: «زنان گیر

۴- پیروان زرتشت به نام هایی مانند مجوسی، گبر و پارسی خوانده می شوند.

(زرتشتی)، سرو مو و گردن خود را طوری می پوشانند که جز صورتشان پیدا نیست (شکل ۶) و روسری های آن‌ها بی شباهت به سربند های زنان سالمند اسپانیایی نیست، جزء اینکه کلاه یا سربند زنان گبر، چین دار نیست. این لباس، به آن‌ها نوعی برتری و وقار می بخشد. رنگ مویشان کم و بیش روشن، اما بیشتر مایل به حنایی و قهوه ای است. رنگ پارچه ای را که روی روپوش خود می اندازند، متناسب با رنگ موی خود عوض می کنند و همواره کمی روشن تر از رنگ روپوش یا قبای آنهاست. (آقا شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۸۸ و ۱۸۹)



شکل ۷- زن رامشگر
(<https://i.pinimg.com>)



شکل - زن زرتشتی
(دلاواله، ۱۳۴۸: ۷۸)

کاتف در مورد پوشاک زنان یهودی^۱ می نویسد: «زنان روسری زرد رنگ به سر می بندند و صورت خود را نمی پوشانند. اندام آن‌ها موزون است». اولتاریوس در مورد زنان رامشگر در این دوره می نویسد: «در نزدیکی قزوین پانزده نفر زن سوار بر اسب از طرف شهر به سوی ما آمدند آن‌ها لباسهای تمیز و مرتبی پوشیده بودند. نیم تنه های ابریشمی رنگارنگی بر تن داشتند و روسری ریشه داری که تا شانه آن‌ها می رسید سر کرده بودند (شکل ۷) در گردن آن‌ها چند رشته مروارید و زینت آلات دیگر دیده می شد با روی باز و بدون حجاب جلو آمده (زنان نجیب و محترم ایران با روی باز با مردان غریب مواجه نمی شدند).» (قاسمی، ۱۳۸۴)

۸- سربند

سربند را تنها زنان شوهر دار به نشان اینکه زیر فرمان شوهران خود می باشند به سر می بندند و زنان بی شوهر به جای این تیماج ها، کلاه کوچکی بر سر می نهند. زنان روستایی نواری روی مقنعه چادر از روی پیشانی می بستند یک نوع از سربند های که زنان اشراف دوره صفویه از آن استفاده می کردند نیم تاج مثلثی شکل با بافت زربفت بود که با انواع روبنده ها پوشیده می شدند. (شکل ۸) (ولیعقوب و مهرپویا، ۱۳۹۶)

۹- شال

تصاویری که از بانوان این عصر کشیده شده (شکل ۱۰)، آن‌ها را معمولا در شالی نشان می دهد که روی شانه انداخته اند و مانند روسری و بر روی سرشان کشیده اند. (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۲) سانسون می نویسد: «شال ظریفی را که حاشیه آن در کمال زیبایی گلدوزی شده است، دور کلاه می پیچند، قسمتی از این شال به پشت سر تا کمرشان آویزان می شود و در وقت راه رفتن، بالا پایین می رود و به وضع جالبی تکان می خورد.» (همان، ۱۳۸۴: ۱۹۵) شال سفید با حاشیه ای منقش دور یک کلاه گرد که لبه هایش پر از سکه است پیچیده شده، از روی چانه می گذرد و با گره پروانه ای به سبک ارمنی پشت سرش گره خورده است. (کنبی، ۱۳۸۵: ۱۴۰)



شکل ۹- شال نقاشی چهل ستون
(<https://i.pinimg.com>)



شکل ۸- سربند (ولی قوجوق و مهر پویا، ۱۳۹۶)

۱۰- کلاه

۱-۱۰- کلاه مردان

در زمستان های سخت زیر عمامه کلاهی به سر گذاشته می شود که آستر پوستی دارد و نوک تیزش از وسط عمامه بیرون می آید و لبه آن حتی تا روی گوش ها را نیز می پوشاند و آن‌ها را از سرما محافظت می کند و بطوری که گزنفون شرح داده است در زمان او نیز بعضی از اقوام آسیایی نظیر آنرا به سر می گذاشتند. این کلاه را مردم طبقات بالا در داخل خانه بدون عمامه به سر می گذارند و مردم عادی در بیرون از خانه نیز گاهی مورد استفاده قرار می دهند. منتهی گرجیها که عیسوی هستند و زیاد به عمامه

۳- کلیمی

علاقه ای ندارند از این کلاه غالباً استفاده می کنند و در بین اصیل زادگان و طبقات دیگر این رسم رایج است (شکل ۱۰). (دلواله، ۱۳۴۸: ۱۴۶) «بورک» کلاهی بود از جنس خز، مخصوص شاطران و جزایری ها که شاه عباس آن را رواج داد. تاثیر پذیری از کلاه اروپاییان فقط در چند نگاره به چشم می خورد و در سفرنامه ها ذکر نشده است. (شکل ۱۱) (نقوی و مراثی، ۱۳۹۱)



شکل ۱۱- بورک (https://i.pinimg.com)



شکل ۱۰- جوان ترسایی محمد قاسم (نقاش معروف دوره بعد از رضا عباسی) اصفهان حدود ۱۶۴۰ (https://i.pinimg.com)

۱۰-۲- کلاه زنان

دوشیزگان به جای کلاه یا تیار کلاه که بی لبه ای به سر دارند (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۶) کاری جهانگرد ایتالیایی اضافه می کند: «زن های ایرانی کلاهی روی سر می گذارند، دور کلاهک زنان ثروتمند سکه های طلا و نقره و سنگ های قیمتی دوخته روی آن نوارهای مروارید دوزی نصب بود ما هیچ زنی را ندیدیم که این طور کلاه بر سر گذارد (قاسمی، ۱۳۸۴) کلاه کوچکی به شکل برج به سر می گذارند و هرکس به اندازه بضاعت و شأنش؛ کلاه خود را به جواهرات، زینت می دهد (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۶۲۷) برخی از ایشان به سبک زنان گرجی و چرکسی کلاه کوچک زنانه از پارچه ظریف از آستر پوستی و برخی دیگر به سبک ترکان عرقچین بلند نوک تیزی بر سر نهاده بودند (فلسفی، ۱۳۹۱: ۳۳۸)

۱۱- لچک



شکل ۱۳- مقنعه و کلاه (قاسمی، ۱۳۸۴)



شکل ۱۲- لچک (ولیعقوب و مهرپویا، ۱۳۹۶)

دستمال سه گوش، پارچه ای سه گوش، کوچک و سمبوسه مانند است (شکل ۱۲) که در بیشتر مینیاتور ها دیده می شود. روی دستمال سه گوش و یا زیر آن کلاهک هایی می گذاشتند که کاملاً موها را می پوشانید. شاردن در قسمتی از سفرنامه اش تاکید دارد: «سر زنان را نواری سه گوش و هلال مانند آرایش می بخشند» (ولیعقوب و مهرپویا، ۱۳۹۶) علاوه بر این سمبوسه کوچکی بر سر زنان بوده و کلاه کوچکی را روی آن یا زیر آن قرار می دادند و با نواری روی سمبوسه یا گاهی به روی لچک بسته می شود و سمبوسه همیشه زیر گلو بسته می شده است. (قاسمی، ۱۳۸۴)

۱۲- مقنعه

بعضی از زیر کلاه، مقنعه ابریشمی به طرف پشت آویخته دارند که بر حسن زیبایی آن ها می افزاید، گیسویشان بافته و رو ی شانه می ریزند. (شکل ۱۳) (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۶۲۷)

۱۳- یاشما (دهان بند)

اگر قرار باشد زوج جدید در خانه پدر شوهر اقامت کند، عروس اجازه ندارد که با چهره باز در برابر پدر شوهر خود ظاهر شود و مجاز نیست حتی یک کلمه با او صحبت کند، بلکه هنگام ضرورت باید با ایما و اشاره منظور خود را به او بفهماند.



شکل ۱۵- زن ارمنی با دهان بند (آقا شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۹۹)



شکل ۱۴- یاشمان بامقنعه (ولی قوجق و مهر پویا، ۱۳۹۶)

گاهی یک سال تمام طول می کشد تا پدرشوهر نطق عروس خود را بخرد که معمولاً با هدیه کردن یک دست لباس نو یا مقداری وسایل این کار انجام می شود و پس از آن عروس می تواند با پدر شوهر گفتگو کند. ولی اجازه ندارد صورت خود را به او

بنماید و نیز دهان خویش را هنگام غذا خوردن به او نشان دهد: برای این منظور تکه پارچه سه گوشه دارند که آن را «یاشما» (شکل ۱۴) می نامند، این پارچه در برابر دهان قرار می گیرد و در پشت گوش بسته می شود، زن باید از پشت این دهان بند نوشیدنی و خوراکی را در دهان بگذارد. (مهمان نواز، ۱۳۹۸) شاردن در این باره آورده: زنان ارمنی بر خلاف بانوان مسلمان، حتی در منزل نیز در صورتی که شوهر کرده باشند، حجابی دارند که بینی را مستور می سازد. (شکل ۱۵) این پوشش برای آن‌ها است که خویشاوندان بسیار نزدیک و کشیشان که مجاز به ملاقات ایشان می باشند، فقط یک قسمت از صورت را مشاهده کنند؛ اما دختران تا دهان، صورت خویش را مستور می سازند و این دلیل معکوسی دارد؛ یعنی تا اندازه ای مرئی باشد که زیبایی صورتشان نمودار گردد و تعریفشان بر سر زبانها می افتد. (جعفر پور و نوری، ۱۳۸۵)

۱۴- آرایش مو و صورت

۱۴-۱- آرایش مو و صورت مردان

دلاک های ایران در تراشیدن سر و صورت از دلاکهای فرنگی خیلی چابکتر و ماهرتر هستند؛ بطوری نرم می تراشند که شخص حس تراشیدن نمی کند. مردمان مقدس ریش نمی تراشند و آن را با مقراض می زنند، ولی ندرتاً ریش را مثل عثمانی ها میگذارند که خیلی بلند بشود. در درباریان و سپاهیان ریش را از بیخ می تراشند و دو سیبل کلفت و بلند می گذارند. سیبل بلند را مایه افتخار می دانند و میگویند زینت صورت منحصر بدان است (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۶۲۲).

۱۴-۲- آرایش زنان صفوی

آن‌ها از سرمه و حنا برای زیبایی دست ها و چشم ها استفاده می کردند. (نظری، ۱۳۹۵) دلاواله می گوید: «عروس طبق رسوم و عادات محل، آرایش شده و دستهای حنا بسته بود؛ جالب توجه تر از همه صورتش را با برگهای اکلیل زده به رنگ طلایی آراسته بودند دور عروس چراغ های متعددی چیده بودند و روی صورت او تور ابریشم صورتی رنگی قرار داشت که بر آن نقش یک خورشید طلایی به چشم می خورد.» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۴۴۷)

۱۵- جواهرات مورد استفاده زنان صفوی

۱۵-۱- مروارید

بانوان گاهی، گوهر های گران‌بها، از تیار می آویزند و اینها تا بالای ابروان می رسد و همچنین دو سر رشته ای از مروارید را (از زیر چانه و جلوی گردن به دو طرف تیار (عرقچین) برده، وصل می کنند) بدیعی است که این نوع تزئین سر و صورت منحصر به دوره صفوی نبوده است و پیش از آن، اغلب بانوانی که در نقاشی ها نموده شده اند دارای چنین تزئیناتی بوده اند. (آقاشیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۶) به نقل از دلاواله: «چند رشته مروارید، به طول چهار انگشت به بند پیشانی آنان آویخته است که با حرکت سر به این طرف به آن طرف حرکت میکند». (همان، ۱۳۸۱: ۱۷۸) دلاواله می نویسد: به جای رشته های مروارید نیز دو رشته گلابتون برگ زرین بر سر آویخته بودند. این گونه از رشته های زرین از زلف در ایران بسیار متداول است، زیرا هم به موی سیاه جلوه و نمایش خاص می دهد و هم ارزان تمام می شد و عقیده من زنان ایران خیلی شبیه به شهر ناپلی^۱ ما هستند که به تغییر و تنوع لباس و پیروی از مد های تازه علاقه وافر دارند، می کوشند که با خرج کم ظاهری آراسته داشته باشند. (فلسفی، ۱۳۹۱: ۳۳۸) زنان در این دوره به تناسب وضعیتی که داشتند از زینت آلات استفاده می کردند تاجهای پر طاووسی نیم تاجها، جقه ها، گردنبند های مروارید با سنگی که به فاصله زیادی از چانه ها بسته می شد. سانسون در این زمینه می نویسد: «به گردنشان گردنبند های مروارید می آویزند. (قاسمی، ۱۳۸۴) ثروتمندان خود را با جواهر زیاد زینت می دهند.» (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۶۲۷)

۱۵-۲- لعل بوغرک^۲

سنگ بسیار گران‌بهای لعل بوغرک در خزانه فرمانروایان گذشته بوده که بعد به دست شاه اسماعیل می افتد. روزی شاه در عالم خوشی این سنگ کمیاب را به سنگ می زند و ریز ریز می کند از خرده های آن وسایل زینتی بسیار می سازند و شاه دستور می دهد که از بهترین تکه های آن یک جفت گوشواره برای تاجلو خانم درست کنند.^۲ زمانی که تاجلی خانم در جنگ چالدران به اسارت عثمانی در می آید، اسباب خود را که عبارتند از: یک جفت گوشواره خوشه ای با سنگ های قیمتی درشت، سی وشش عدد دانه های زینتی گران‌بها (مروارید) بشکل گلابی،...، تاجلو خانم همه جواهرات را که ذکر شد به مشارالیه تسلیم نمود. (میرجعفری، ۱۳۵۳)

1- Napoli
2- Bogrek

۲- این همان گوشواره ای است که در جنگ چالدران هنگام اسارت تاجلی خانم به دست مسیح بک حاکم «ودین» می افتد.

۱۵-۲- جنگ افزارها

جنگ افزارهایی که در دوره صفوی کاربرد داشته اند، اگر چه از حیث ساختار با دوره‌های تاریخی دیگر تفاوت چندانی نداشته اند، اما در برخی از آن‌ها از حیث فرم و تزیینات، ویژگی‌هایی خاص مشاهده می‌شود که نشان از سلیقه و اندیشه خاص نظامیان و نیز آراستگی جنگ افزارهای آنان در این دوره دارد. (رستمی و داوودی، ۱۳۹۸) (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲- چند نمونه پوشش جنگی در دوره صفوی

نام پوشش	کلاه خود	نقاب جنگی	کلاه خود با درفش
ابزارها و پوشش جنگی			
	قرن ۱۷ (https://i.pinimg.com)	قرن ۱۶-۱۸ (https://i.pinimg.com)	فرمانده سوار زره پوش (https://i.pinimg.com)

نتیجه‌گیری

تاجی که رهبر شیعه صفویان حیدر ترویج کرد تاج حیدری نام گرفت که ساخته شده با دوازده ترک بدنه هموار و بزرگ با لبه باریک و بلند بود؛ که حامیان صفویان، قزلباش‌های (سرخ کلاه) آن را به علامت وفاداری به تعالیم دوازده امام شیعه بر سر می‌گذاشتند. این تاج یا عمامه نشان قورچی‌ها و قورلر در جنگ بود و درحالی‌که شکل عصادار گلدسته آن، بیانگر رهبر معنوی امامت بوده است. این تاج پس از شاه اسماعیل و شاه طهماسب جنبه تشریفاتی یافت؛ شاه و درباریان دور آن دستاری سپید رنگ می‌پوشیدند، آن را به انواع جواهرات می‌آراستند. طبق نمونه یافت شده جنس آن از پنبه لفاف شده با روکش ابریشم که با روناس رنگ شده است. پادشاهان صفوی تاج را با جقه بر سر می‌گذاشتند. هنگام حرکت بانوان حرم، یسقطیان یک فرسنگ جلوتر می‌رفتند تا مردان را از اطراف راه قافله دور کنند. آن‌ها تاج مخصوص قزلباش بر سر داشتند و علامت مخصوص ایشان تیری بود که بر عمامه خود فرو می‌بردند. رئیس آنان یسقطی باشی بر عمامه خود تیری زرین فرو می‌برد. در دستارها عموماً کمتر ابریشم به کار می‌رفت و به جای آن از طلا و نقره استفاده میشد. وزن آن‌ها سنگین و بهای آن‌ها گزاف بود و مناسب آن را کمتر از پنجاه کراون نمی‌توانستند خریداری کنند. دستار مانند کدوی مدوری پیچیده می‌شد که بالای قدری مسطح بود و یک سر پارچه از آن بیرون آمده بیک دسته منگوله و ریشه منتهی می‌شد در بافت آن تارهای ابریشم طبیعی به‌طور راه راه در زمینه پارچه پنبه ای به کار رفته و رنگ سفید به‌طور نادر مورد استفاده قرار می‌گرفت. عمامه بزرگ و نامأنوس بود وسط آن فینه یا عرق چین قرار داشت. مندیله‌ها و ساقی‌ها به‌صورت آزاد از پارچه‌های راه راه یا زربفت بود و روحانیان و حافظان قرآن مندیله‌های ساده از جنس اَق بانو داشتند. گذاشتن عمامه سبز برای همه مسیحیان جایز بود. بانیان لباس به رنگ می‌پوشیدند و با ماده زعفران به رنگ زرد تیره دستار خود را رنگ می‌کردند.

قزلباش‌ها املاک پهناور دارند در سراسر کشور پراکنده هستند در دوره شاه اسماعیل تاج قزلباش را به آنان اعطا شد تا به عنوان اصالت نسب به عمامه خود بزنند. در زمستان‌های سخت زیر عمامه کلاهی به سر گذاشته می‌شود که آستر پوستی دارد و نوک تیزش از وسط عمامه بیرون می‌آید و لبه آن حتی تا روی گوش‌ها را نیز می‌پوشاند. این کلاه را مردم طبقات بالا در داخل خانه بدون عمامه به سر می‌گذارند و مردم عادی در بیرون از خانه نیز گاهی مورد استفاده قرار می‌دهند گرجیها که عیسوی هستند و زیاد به عمامه علاقه ای ندارند از این کلاه غالباً استفاده می‌کنند بورک کلاهی بود از جنس خز، مخصوص شاطران و جزایری‌ها که شاه‌عباس آن را رواج داد تاج و شاهزاده خانم درباری، کلاهی مزین به گل و لبه آن به سبک تاجهای سلجوقی و مانند برگ است و در پشت آن بته جقه منتهی می‌شود و با فلز و جواهر زینت داده شده است. سر بانوان، به وسیله کلاه یا حجابی مستور است و نواری قلاب دوزی شده بر بالای پیشانی می‌بندند. تیارکه اغلب از پارچه‌های نازک رنگارنگ فراهم می‌شود، به اندازه یک شصت پهنا دارد و گاه جقه ای در وسط و بالای آن نصب می‌کنند زنان ارمنی نواری تنگ و فشرده از تافته‌های رنگارنگ بر پیشانی می‌بندند، زنان دربار گاهی اوقات از دستار نیز برای پوشش سر استفاده می‌کردند و به شکل زیبایی آن را به دور سر می‌بستند. در زمان شاه‌عباس و عمامه، بزرگتر می‌شود و رها تر به دور سر پیچیده می‌شود. زندهای گبر دستار را مانند عربها کلدانیها دور صورت خود می‌بستند، درحالی‌که یک سر آن از جلو تا کمر و انتهای دیگر آن از عقب به طرف زمین آویزان است و با سر و

روی باز به کوچه و خیابان می روند زنان در بیرون از خانه خود را به متقال نازک و بلند سفید رنگی می پیچانند که تمام بدن آن‌ها را مستور می سازد که چشم و صورت آن‌ها پیدا نیست. روی صورت خود حجابی چهارگوش و سفید به نام روبنده قرار می دادند که به بالای چادر متصل می شد. روپند شکافی کوچک و توری شکل داشت که امکان دیدن را فراهم می ساخت. زنان نسبت به مردان این رجحان را دارند که می توانند طرف مقابل را ببینند و خود دیده عروس مطلقاً در حجاب است یک چادر پلیسه یا چین ماندی از زربفت یا تافته زرین یا منسوج ابریشمی بر سر دارد که تا کمر پایین آمده است زنان سر خویش را کاملاً می پوشاند و روی آن چارقدی دارند به شانه شان می رسد گلو و سینه شان را در جلو می پوشانند آن‌ها در منزل سر خود را می پوشانند و گیسوها را بافته در کیسه ای از مخمل یا اطلس با قلابدوزی کرده به پشت سر می آویزند. زنان ارمنی سر را با چارقد کتانی سفید می پوشانند و گوشه های آنرا زیرچانه خود محکم می کنند. روسری زن ها شبیه پارچه ای است که زنان بغداد هم به کار می برند رنگ روسری ها مختلف است و دنباله آن از عقب تا روی زمین ادامه پیدا می کند روسری زنان زرتشتی رنگی بین سبز و زرد دارد. ولی بیشتر مایل به زرد است... رنگ پارچه ای را که روی روپوش خود می اندازند، متناسب با رنگ موی خود عوض می کنند. زنان یهودی روسری زرد رنگ به سر می بندند و صورت خود را نمی پوشانند. زنان رامشگر روسری ریشه داری که تا شانه آن‌ها می رسید سر می کردند. در گردن آن‌ها چند رشته مروارید و با روی باز و بدون حجاب بودند. سربند را تنها زنان شوهر دار به نشان اینکه زیر فرمان شوهران خود می باشند به سر می بندند و زنان بی شوهر به جای این تیماج ها، کلاه کوچکی بر سر می نهند. زنان اشراف دوره صفویه، نیم تاج مثلثی شکل با بافت زربفت بر سر می گذاشتند که با انواع روبنده ها پوشیده می شدند. تصاویری که از بانوان این عصر کشیده شده آن‌ها را معمولاً در شالی نشان می دهد که روی شانه انداخته اند. روی دستمال سه گوش و یا زیر آن کلاهک هایی می گذاشتند که کاملاً موها را می پوشانید؛ و با نواری روی سمبوسه یا گاهی به روی لچک بسته می شود و سمبوسه همیشه زیر گلو بسته می شده است. بعضی از زیر کلاه، مقنعه ابریشمی به طرف پشت آویخته دارند عروس اجازه ندارد که با چهره باز در برابر پدر شوهر خود ظاهر شود و با او صحبت کند روی دهان خود پارچه سه گوشه به نام یاشما می بندد، وقتی به عروس هدیه ای گران بها بدهد، عروس می تواند با پدر شوهر گفتگو کند. زنان ارمنی حتی در منزل نیز در صورتی که شوهر کرده باشند، حجابی دارند که بینی را مستور می سازد؛ اما دختران تا دهان، صورت خویش را مستور می سازند مردان مقدس ریش نمی تراشند درباریان و سپاهیان ریش را از بیخ می تراشند و دو سبیل کلفت و بلند می گذارند. سبیل بلند را مایه افتخار می دانند و میگویند زنان از سرمه و حنا برای زیبایی دست ها و چشم ها استفاده می کردند عروس طبق رسوم و آداب محل، آرایش شده و دستهای حنا بسته می شد؛ و صورتش با برگهای اکلیل زده به رنگ طلایی آراسته می شد روی صورت او تور ابریشم صورتی رنگی بود که بر آن نقش یک خورشید طلایی به چشم می خورد بانوان، گوهر های گران بها، از تیار می آویزند و اینها تا بالای ابروان می رسد و همچنین دو سر رشته ای از مروارید را از زیر چانه و جلوی گردن به دو طرف تیار یا عرقچین برده، وصل می کنند. چند رشته مروارید، به طول چهار انگشت به بند پیشانی آنان آویخته است که با حرکت سر به این طرف به آن طرف حرکت میکند. یا به جای رشته های مروارید نیز دو رشته گلابتون برگ زرین بر سر می آویختند. تاجهای پر طاووسی نیم تاجها، جقه ها، گردنبند های مروارید با سنگی که به فاصله زیادی از چانه ها بسته می شد به گردنشان گردنبدن های مروارید می آویزند و ثروتمندان خود را با جواهر زیاد زینت می دهند. جنگ افزار هایی که برای سر در دوره صفوی کاربرد داشت، با دوره های تاریخی دیگر تفاوت چندانی نداشت اما برخی از آن‌ها از نظر فرم و تزیینات، ویژگی هایی خاص داشتند که نشان از سلیقه و اندیشه خاص نظامیان و نیز آراستگی جنگ افزار های آنان در این دوره دارد.

منابع

۱. آقا حسین شیرازی ابولقاسم (۱۳۹۲)، «پوشاک زنان ایران از آغاز تا امروز» چاپ اول، تهران: انتشارات اوستا فراهانی.
۲. پارسا دوست منوچهر (۱۳۸۸)، «شاه عباس اول پادشاهی با درس هایی که باید فرا گرفت». (جلد اول) شرکت سهامی انتشار
۳. تاورنیه ژان باتیست (۱۳۶۹)، «سفرنامه تاورنیه» ترجمه ابوتراب نوری اصفهان: انتشارات سنائی و کتابفروشی تأیید
۴. جعفر پور علی، نوری مجیدی مهرداد، (۱۳۸۵)، «پوشاک زنان صفوی با تکیه بر سفر نامه نویسان فرنگی» نشریه مسکویه، شماره ۵، صص ۵۰-۶۱
۵. دلاواله، پیتر (۱۳۴۸)، «سفرنامه پیترودلاواله» ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی و وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی
۶. رستمی، مصطفی پریسا، داوودی (۱۳۹۸) «جنگ افزارهای دفاعی دوره صفویه بر اساس نگاره های شاهنامه تهماسبی» اولین کنفرانس ملی دوسالانه باستان شناسی و تاریخ هنر ایران
۷. سید بنکدار، سید مسعود (۱۳۹۵)، «بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفویه»، نشریه شیعه شناسی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، ص ۱۹۵

۸. شکیبیا، رقیه. (۱۳۸۱)، «بررسی طرح: نقش و رنگ لباس زنان در عهد صفویه» پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ص ۱۰
۹. شهشهانی، سهیلا، (۱۳۷۴)، «تاریخچه پوشش سر در ایران» تهران: انتشارات مدیر
۱۰. فروزان تبار، حوریه (۱۳۸۴)، «پارچه‌های صفوی» ماهنامه پوشاک آذر، شماره ۱۹، صص ۲۸-۲۹
۱۱. فضل وزیری، شهره، (۱۳۹۲)، «تحلیل تطبیقی شکل و رنگ چادر زنان ایران» فصلنامه هنر علم و فرهنگ، شماره ۱ ص ۸۱
۱۲. فلسفی، نصرالله (۱۳۹۱) «زندگانی شاه‌عباس اول» (جلد اول)، تهران: انتشارات نگاه
۱۳. قاسمی، فاطمه، (۱۳۸۴)، «پوشش زنان در عهد صفوی» ماهنامه پوشاک ۱۳ اردیبهشت: صص ۲۶-۳۰
۱۴. قدیانی، عباس. (۱۳۸۹)، «فرهنگ جامع تاریخ ایران از ورود آریایی‌ها تا پایان عصر پهلوی»، تهران: انتشارات آرون
۱۵. کنبی، شیلا. ۱۳۸۵، هنر و معماری صفویه. ترجمه مزدا موحد: تهران فرهنگستان هنر
۱۶. نظری، ساره (۱۳۹۵)، «روزگار زنان در سلسله‌های ایرانی»، ماهنامه شباک، سال دوم، شماره ۱۰ ص: ۲۴
۱۷. نقوی منیره سادات، مراثی محسن (۱۳۹۱) «مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تاکید بر دیواره نگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان» نشریه مطالعات تطبیقی هنر دوره ۲، شماره ۳
۱۸. مهمان نواز محمود (۱۳۹۸)، «بررسی تحلیلی خشونت، مجازات و محدودیت علیه زنان در دوره صفویه با تکیه بر سفرنامه نویسان فرنگی»، فصل نامه زن و جامعه، سال ۱۰، شماره ۴۰، ص ۳۳۹
۱۹. میرجعفری، حسین (۱۳۵۳) «تاجلی خانم زن ستیهنده چالدران» نشریه دانشگاه ادبیات علوم انسانی، دوره ۲۶، شماره ۱۱۲، ص ۴۷۵
۲۰. ولی قوجق منصور، مهریویا حسین (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه»، فصلنامه، پژوهش هنر. سال ۷ شماره ۱۳: صص ۱۱۲-۱۱۷

